روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

دوشنبه | اول اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۲۲ شوال ۱۴۴۶ | ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۲۹۷ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

۱۱۹۰ سال و ۲۳۱ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4297 | MON.APR.21, 2025 | ISSN:2008-2886

شکوهی دیگر از مهدی ترابی، هافبک بازیساز در سرزمین سرخ‌های تبریز

کلید قهرمانی دست او است

صفحه ۶

پرونده «وطن امروز» درباره جایگاه نهج‌البلاغه در زندگی و زمانه اکنون

نهج سیاست و حکمرانی

صفحه ۵

«وطن امروز» گزارش می‌دهد
سرکوب نظام‌مند صدای فلسطین در هاروارد و آکادمی‌های آمریکا

مک‌کارتیسم نژادپی

دانشگاه هاروارد، دروازه جانسون/ عکس: Boston Globe

تیترهای امروز

ارتش صهیونیستی از کمین مرگبار نیروهای مقاومت علیه اشغالگران خبر داد

شنبه سخت صهیونیست‌ها

■ در کمین رزمندگان مقاومت ۳ نفر از سربازان صهیونیست کشته و تعدادی دیگر زخمی شدند

صفحه ۷

واکاوی وضعیت مدیریت مدارس کشور برای تحول‌آفرینی در گفت‌وگوی «وطن امروز» با علی ذوعلم، رئیس اندیشگاه بیانیه گام دوم انقلاب

آموزش و پرورش نیازمند تلاش بیشتر

■ به انقلاب فرهنگی در آموزش‌وپرورش نیازمندیم
■ با محافظه‌کاری، تحول ایجاد نمی‌شود

صفحه ۴

«وطن امروز» باز تعریف ایران در اقتصاد جهانی را با بهم‌خوردن نظم جهانی زنجیره تأمین بررسی کرد

ویژه

بازگشت به تجارت با ایران

صفحه ۳

تأملی بر سیاست بازاری‌سازی یارانه انرژی

انرژی در مسیر بورس‌بازی

نگاه
محمدامین حقگو

امروز وضعیت مصرف برق و گاز در کشور ما به‌هیچ‌وجه مطلوب نیست؛ هم از نظر شدت مصرف و هدررفت انرژی و هم از نظر تحمیل هزینه‌های سنگین به منابع ملی و محیط‌زیست. بر همین اساس، ضرورت اصلاح مکانیزم توزیع و قیمت‌گذاری این دو حامل انرژی، با هدف کاهش اسراف و تأمین منافع بلندمدت ملی، کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد، چنانکه گزارش‌های متعدد و آمارها همگی بر این نکته تأکید دارد که شیوه فعلی مصرف انرژی در کشور باید اصلاح شود و در مسیر بهینه‌سازی مصرف گام برداریم.

■ ۲ مسیر اصلی برای اصلاح مصرف

طی ماه‌های اخیر راهکارهای متعددی برای مدیریت و کاهش مصرف انرژی در مجلس و دولت مطرح شده است اما در حال حاضر ۲ طرح اصلی روی میز قرار دارد؛ نخست ایده «قیمت‌گذاری پلکانی یا تبعیض قیمتی به همراه صدور گواهی صرفه‌جویی» است که در این طرح، با توجه به شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف متعارف، تعداد اعضای خانوار و موقعیت جغرافیایی، تعرفه‌های متفاوتی برای مصرف برق و گاز در نظر گرفته می‌شود. برای مصارف بالاتر از الگوی استاندارد، نرخ پلکانی افزایش می‌یابد و همزمان با اصلاح تدریجی قیمت‌ها، ابزاری مانند «گواهی صرفه‌جویی» ایجاد می‌شود تا خانوارها و صنایع، در صورت کاهش مصرف نسبت به گذشته، از پاداش یا اعتبار ویژه بهره‌مند شوند. در این رویکرد، دولت کماکان در حوزه نظارت و تنظیم‌گری قیمت‌های انرژی، نقش فعال و پاسخگو را ایفا می‌کند و امکان سیاست‌گذاری و پیشبرد طرح‌های ملی وجود دارد.

ایده دوم، «توزیع یکسان سهمیه انرژی بین همه مصرف‌کنندگان» به صورت بازاری است که در این شیوه، هر فرد یا خانوار سهمیه‌ای برای مصرف برق و گاز دریافت می‌کند. اگر بیش از آن میزان مصرف کرد، باید مازاد مورد نیاز خود را از بازار ثانویه و با نرخ شکل گرفته در آن بازار تأمین کند و اگر کمتر مصرف کرد، می‌تواند مازاد سهمیه‌اش را در بازاری ثانویه بفروشد. در واقع، بخش عمده‌ای از تعیین قیمت انرژی به مکانیسم بازار و مبادله آزاد سپرده می‌شود.در حال حاضر به نظر می‌رسد دولت به ایده دوم (توزیع سهمیه و خرید و فروش در بازار ثانویه) گرایش بیشتری دارد اما به نظر می‌رسد سپردن قیمت حامل‌های استراتژیک نظیر برق و گاز به بازار و سفته‌بازی، ممکن است پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته باشد.

■ خطر همگرایی قیمت انرژی با نوسانات شدید لنگر تورمی

در اقتصاد ایران، بازارهای سفته‌بازی نظیر دلار و طلا نقش لنگر اسمی تورمی را ایفا می‌کنند و از نوسانات لحظه‌ای برخوردارند.

ادامه در صفحه ۸

حسین میرزایی

در سال‌های اخیر فضای دانشگاه‌های ایالات متحده شاهد تحولی نگران‌کننده بوده است؛ سرکوب سیستماتیک صدای منتقدان سیاست‌های اسرائیل تحت عنوان مبارزه با «یهودستیزی». این روند که با قدرت گرفتن دولت ترامپ شدت یافته، نه تنها آزادی آکادمیک را تهدید می‌کند، بلکه یادآور دوران سیاه «مک‌کارتیسم» در دهه ۱۹۵۰ است؛ زمانی که تفتیش عقاید و اخراج روشنفکران مخالف به بهانه «مبارزه با کمونیسم» رواج داشت. این بار اما با ادعای «حفاظت از امنیت یهودیان»، هرگونه انتقاد از اسرائیل به عنوان «یهودستیزی» برچسب می‌خورد و دانشگاه‌ها تحت فشار سیاسی مجبور به سکوت یا اخراج اساتید و دانشجویان منتقد می‌شوند. در یکی از مهم‌ترین فشارهای سیاسی، دونالد ترامپ بودجه ۲ میلیارد دلاری دانشگاه هاروارد را قطع کرده است. بر این اساس وزارت آموزش آمریکا اعلام کرد در پی خودداری دانشگاه هاروارد از موافقت با شروط دولت ۲,۲ میلیارد دلار بودجه فدرال این دانشگاه قطع می‌شود. یکی از شروط دولت، معرفی دانشجویان مخالف اسرائیل به مقامات فدرال بود. یکی دیگر از شروط دولت، عدم پذیرش دانشجویان ضد آپارتاید و ضد صهیونیست یا مخالف نسل‌کشی و جنایت در فلسطین از سوی دانشگاه بود. آلن گاربر، رئیس هاروارد در این باره گفته بود درخواست‌های ترامپ فراتر از اختیارات دولت فدرال است. به اعتقاد کارشناسان نقش کارگروه مشترک مقابله با یهودی‌ستیزی در برخورد با هاروارد تعیین‌کننده بوده است. پس از آغاز جنگ غزه در سال ۲۰۲۳، جنبش‌های دانشجویی در آمریکا به یکی از کانون‌های اصلی اعتراض به سیاست‌های اسرائیل تبدیل شدند اما به جای پاسخگویی به این انتقادات، دولت آمریکا و لابی‌های صهیونیست با ابزارهای قانونی و مالی به سرکوب این صداها پرداخته‌اند. نمونه بارز آن لغو استخدام اساتید مطالعات فلسطین در دانشگاه هانتر نیویورک به دستور فرماندار این ایالت بود، با این استدلال که بررسی مفاهیمی مانند «استعمار»، «آپارتاید» یا «نسل‌کشی» در رابطه با اسرائیل، «یهودستیزانه» است. یکی از ابزارهای کلیدی در این سرکوب، تفسیر تحریف‌شده از «ماده ۶» قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ آمریکاست. این قانون که برای مبارزه با نژادپرستی علیه سیاه‌پوستان تصویب شد، امروز به ابزاری برای خفه کردن صدای مدافعان فلسطین تبدیل شده است. با ادعای اینکه انتقاد از اسرائیل «محیط خصمانه» برای دانشجویان یهودی ایجاد می‌کند، دانشگاه‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند تا رویدادهای مرتبط با فلسطین را لغو، اساتید منتقد را اخراج و دانشجویان معترض را تنبیه کنند. حتی استفاده از شعارهایی مانند «از نهر تا بحر» - که نماد حق تعیین سرنوشت فلسطینیان است - به عنوان «انکار موجودیت اسرائیل» جرم‌انگاری شده است. در مقابل، سیاستمداران اسرائیلی و حامیان‌شان آزادانه همین شعار را برای توجیه اشغال تمام فلسطین به کار می‌برند. دونالد ترامپ با حمایت کامل کنگره و دیوان عالی، این روند را به سطح جدیدی رسانده است. او با تهدید به قطع بودجه دانشگاه‌های موسوم به «شورشی»، عملا هر گونه کنش ضدصهیونیستی را خیانت به منافع ملی قلمداد می‌کند. مارس ۲۰۲۵، دانشگاه کلمبیا به دلیل مقاومت در برابر سرکوب اعتراضات دانشجویی، ۴۰۰ میلیون دلار کمک مالی فدرال را از دست داد. همچنین مواردی مانند اخراج دکتر حلیا دوطاقی، پژوهشگر ایرانی - آمریکایی از دانشگاه ییل، به اتهام «حمایت از فلسطین»، نشان می‌دهد چگونه فضای ارعاب حتی پژوهشگران برجسته را نیز در معرض تهدید قرار داده است. مدیران و استادان دانشگاه تحت فشار هستند و در صورت عدم اطاعت از انجام اقدامات مورد انتظار، تهدید به اخراج می‌شوند. برای مثال دانشجویی که ادعا می‌کند استادی از اصطلاح «دولت استعماری» در کلاس درباره اسرائیل استفاده کرده است، می‌تواند درخواست کند تحقیقات فوری به این دلیل آغاز شود که استفاده از این تعریف موجب «آزار و اذیت» او می‌شود. ژنویو لاکر، استاد حقوق دانشگاه شیکاگو می‌گوید: «مدیران دانشگاه از تهدید می‌ترسند. آنها نمی‌خواهند با مشکل روبه‌رو شوند، بودجه اهداکنندگان را از دست بدهند یا تبلیغات بدی درباره آنها شود. ساده‌ترین کار برای آنها سرکوب سخنانی است که ظاهراً ماده ۶ را نقض می‌کند».

تهدید به اقدام قانونی به ندرت به مرحله رسیدگی قضایی می‌رسد، چرا که صرف هشدار به مقامات دانشگاهی معمولا برای وادار کردن آنان به پذیرش خواسته‌های شاکیان کافی است. این سازوکار منجر به ممنوعیت فعالیت‌هایی مانند نمایش فیلم، برگزاری تجمعات یا مناظره‌ها با این استدلال می‌شود که «فضای خصمانه» علیه گروه‌های اقلیت در دانشگاه ایجاد می‌کنند. این موضوع از این جهت قابل ملاحظه است که شمار معتنابهی از دانشجویان یهودی خود این روش‌ها را محکوم می‌کنند. به عنوان مثال، در دانشگاه هاروارد، توزیع طوماری برای پخش مستند «اسرائیلیسم» - که به بررسی انتقادات یهودیان جوان آمریکایی از صهیونیسم می‌پردازد - با همین استدلال ممنوع شد. نوامبر سال گذشته ۴۰ نماینده جمهوری‌خواه و دموکرات ایالت نیویورک با استناد به «ماده ۶ قانون ضدتبعیض نژادی»، از فرماندار خواستند انجمن دانشجویی «عدالت برای فلسطین» را منحل کند. این اقدام بار دیگر نشان‌دهنده تکیه بر استدلال‌های تکراری برای محدودسازی آزادی‌های دانشگاهی است. این روند تنها محدود به آمریکا نیست. در فرانسه، روزنامه‌نگاران و هنرمندان به دلیل مقایسه جنایات اسرائیل با دوره استعمار یا هولوکاست تحت پیگرد قرار می‌گیرند. این وضعیت یادآور اهمیت دفاع از آزادی بیان و استقلال دانشگاه‌هاست. در ایران که همواره شاهد فشارهای مشابه از سوی غرب برای سکوت درباره جنایات رژیم صهیونیستی بوده، این تجربه می‌تواند درس‌های مهمی داشته باشد:

۱- تقویت گفتمان انتقادی: دانشگاه‌های ایران باید با حفظ استقلال فکری، فضایی برای نقد سیاست‌های استعماری و نژادپرستانه فراهم کنند.

۲- ایستادگی در برابر فشارهای سیاسی: همان‌طور که لابی‌های صهیونیستی در آمریکا دانشگاه‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند، ایران نیز باید در برابر تلاش‌های مشابه برای سانسور مقاومت کند.

۳- همبستگی بین‌المللی: آکادمیسین‌های ایرانی می‌توانند با ارتباط با نهادهای حقوق بشری و دانشگاهی جهان، صدای مظلومیت فلسطین را تقویت کنند.

سرکوب منتقدان اسرائیل در غرب، نه تنها تضادی آشکار با ادعای دموکراسی و آزادی بیان دارد، بلکه نشان‌دهنده وابستگی عمیق سیاستمداران به لابی‌های صهیونیست است. دانشگاه‌ها که باید کانون اندیشه‌ورزی و نقد باشند، امروز به میدان جنگ ایدئولوژیک تبدیل شده‌اند. این روند خطرناک نه تنها آینده آموزش عالی را تهدید می‌کند، بلکه نقض فاحش حقوق بشر و عدالت است. جامعه جهانی بویژه دانشگاهیان باید در برابر این «مک‌کارتیسم نوین» بایستند و از حق مسلم فلسطینیان برای بیان رنج‌های‌شان دفاع کنند.

«تروریسم آموزشی» در غرب

یادداشت روز
حنیف غفاری

دونالد ترامپ به تنش‌سازی‌های خود علیه دانشگاه‌های هاروارد، استنفورد و حتی برخی دانشگاه‌های کوچک آمریکا با هدف تصفیه محیط آموزشی این کشور از حامیان فلسطین و مخالفان رژیم اشغالگر قدس ادامه می‌دهد. این اقدام مذبوحانه، در سایه سکوت مدعیان حقوق و عدالت آموزشی در غرب همچنان ادامه دارد. بسیاری از دانشجویان مهاجر که به صورت قانونی در دانشگاه‌های آمریکا مشغول تحصیل و دارای اقامتند، اینک نه‌تنها مجاز به ادامه تحصیل نیستند، بلکه توسط پلیس فدرال و نهادهای امنیتی بازداشت شده‌اند. صورت مساله این است که دولت آمریکا به دانشگاه هاروارد و دیگر مراکز آموزش عالی در این کشور دستور داده در سیاست‌های کلان پذیرش دانشجویان و اعطای مجوز اعتراضات عمومی در دانشگاه‌ها در مواجهه با حوادث منطقه غرب آسیا تجدید نظر کرده و با پایان دادن به برنامه‌های تنوع، برابری و شمول و فراتر از آن، دریافت اطلاعات خصوصی دانشجویان، این مراکز را تبدیل به پادگان کنند. وزارت امنیت داخلی آمریکا به دانشگاه هاروارد هشدار داده در صورت استنکاف مقامات این مرکز آموزشی از دستورات صادر شده، مجوز ثبت‌نام دانشجویان خارجی را لغو خواهد کرد. شاکله و محتوای مواجهه‌ای که از سوی وزارت امنیت داخلی آمریکا و کاخ سفید با دانشگاه‌های این کشور انجام شده، اذهان را به سوی درک یک کلیدواژه اساسی رهنمون می‌کند: «تروریسم آموزشی». در یک تعریف ساده، تروریسم به معنای استفاده غیرقانونی از خشونت یا ارعاب است، بویژه علیه غیرنظامیان و با هدف دنبال کردن اهداف سیاسی. اکنون شاهد وقوع یک نسل‌کشی تمام‌عیار، مستمر و غیرقابل توصیف در نوار غزه هستیم. تعداد شهدای حملات صهیونیست‌ها به این منطقه، به ۵۲ هزار نفر رسیده و نوزادان فلسطینی بر اثر ممانعت رژیم سفاک اسرائیل از ورود کمک‌های انسانی، جان خود را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند. در چنین وضعیتی، دولتمردان آمریکایی با هدایت لابی آیپک در حال تبدیل مراکز آموزشی به کانون‌هایی بی‌اثر، منفعل و ساکن و حتی همراه با جنایات بی‌حد و حصر صهیونیست‌ها هستند. خاستگاه این تروریسم آموزشی، کاخ سفید، آژانس امنیت ملی آمریکا و موساد هستند. در اینجا نکته دیگری وجود دارد که شاید برای بسیاری از مخاطبان سوال‌برانگیز باشد. این مساله، معطوف به چرایی تمرکز خاص رژیم صهیونیستی و آمریکا بر دانشگاه هاروارد است، بویژه که ترامپ اخیرا بودجه ۲ میلیارد دلاری این دانشگاه را نیز تعلیق کرده است. این کینه عمیق، زمانی تشدید شد که ۳ ماه بعد از آغاز جنگ غزه، شاهد انتشار یک نظرسنجی معنادار از سوی دانشگاه هاروارد بودیم. دی ۱۴۰۲ نظرسنجی دانشگاه هاروارد نشان داد ۵۱ درصد جوانان آمریکایی در بازه سنی ۱۸ تا ۲۴ ساله، خواهان پایان رژیم جعلی صهیونیستی و بازگشت فلسطینیان به سرزمین پدری خود هستند. این اکثریت معتقد بود صهیونیست‌ها سرکوبگر و ظالم هستند و فلسطینی‌ها حق داشته‌اند عملیات توفان الاقصی را علیه آنها اجرا کنند. خشم رژیم اشغالگر قدس و آمریکا از همان زمان متوجه دانشگاه هاروارد و موسسات وابسته به آن شد. لابی آمریکایی - صهیونیستی آیپک اصل طرح چنین پرسشی در نظرسنجی دانشگاه هاروارد را مصداق یهودستیزی(!) تلقی کرد. فراتر از آن، انتشار نتایج نظرسنجی شوک بی‌سابقه و سختی را به لابی‌های آشکار و پنهان قدرت در جریان سلطه وارد کرد. اکنون بر همگان مسجل شده گذار نسلی در آمریکا نه‌تنها به سود بقای رژیم نامشروع صهیونیستی نبوده، بلکه موجودیت این رژیم را به چالش می‌کشد. اکنون لابی‌های صهیونیست در صدد انتقام‌گیری از دانشجویانی برآمده‌اند که جزئی از مقاومت جهانی بوده و حاضر به عقب‌نشینی در برابر فشارهای مکرر جریان اشغالگری و سلطه نیستند. نکته قابل تامل اینکه در چنین شرایطی، رسانه‌های وابسته به ۲ حزب دموکرات و جمهوری‌خواه کمترین سخنی از «نقض فاحش عدالت آموزشی» و «تفتیش عقاید دانشجویان» به میان نمی‌آورند. به صورت همزمان، کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه و انگلیس نیز کماکان برخی دانشجویان معترض به جنگ غزه را از سال ۲۰۲۳ میلادی تاکنون در بازداشت نگاه داشته و نهادهای پرادعای دولتی و غیردولتی مدعی حقوق بشر نیز به جای حمایت از این دانشجویان بی‌پناه، به حامیان اصلی برخورد با منتقدان ماهیت و عملکرد صهیونیست‌ها تبدیل شده‌اند. در اینجا نه خبری از تشکیل جلسات فوری در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد است و نه نشانه‌ای از بیانیه‌های کمیسیون و پارلمان اروپا وجود دارد. چهره واقعی غرب را می‌توان در بطن همین فعل و انفعالات برای افکار عمومی دنیا به تصویر کشید. در هر حال، مقامات آمریکایی، اروپایی و صهیونیست در آینده نزدیک درمی‌یابند از بین بردن کانون‌های برگزاری نظرسنجی‌های آکادمیک و علمی که صهیونیسم‌ستیزی گسترده در میان جوانان آمریکایی و اروپایی را مورد تایید قرار می‌دهند، هرگز به معنای از بین رفتن خیزش قطعی نسل کنونی و نسل‌های بعد و تبدیل آن به نیروی محرک بی‌سابقه‌ای برای نابودی صهیونیسم نیست. این سرنوشت قطعی و غیرقابل تغییر است، حتی اگر همه دانشجویان مخالف صهیونیسم از آمریکا و اروپا اخراج شوند.